### سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان دادستان وقت دادسرای ویژه روحانیت درباره منتظری

# جریان انحرافی و خطرناک

بـا توجه به مسـاله‌ای که اخیراً در شهرسـتان قم پیش آمد، مصلحت می‌بینم جریان آقای منتظری را با توجه به وظیفه‌ای که مسؤولان و نظام و روحانیت و مبلغان در قبال این جریان خطرناک دارند مطرح کنم. ابتدا به عنوان مقدمه لازم است عرض کنم یکی از مسائلی که در اسلام مورد تأکید واقع شده و پیامبر اسلام روی این مساله تاکید کرده است، مساله نصیحت ائمه مسلمین است. درباره این مساله چنانچه به قرآن کریم و روایات ائمه(ع) مراجعه کنیم، خواهیم دید برداشت ما و جامعه اسلامی از مساله نصیحت ائمه مسـلمین برداشت غلط و اشتباهی اسـت و شاید علت آن مناسبت‌های تاریخی است که در جوامع اسلامی بویژه تشیع شکل پیدا کرده است. وقتی مساله نصیحت ائمه مسلمین را می‌شنویم، ایـن معنا به ذهن همه می‌آید که باید مسـؤولان و رهبران نظام اسلامی را نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر کرد و عده‌ای هم با همین تفسـیر و برداشـت غلط، انتقادات گزنـده‌ای را مطرح می‌کننـد. چنانچه به قرآن مراجعه کنیـم خواهیم دید آیاتی که متضمن ماده نصیحت اسـت، دارای معنایی غیر از معنای امر به معروف و نهی از منکر است. نصیحةالله و نصیحةللرسول؛ نصیحت خدا قطعا به معنای امر به معروف کردن خدا نیست و همین‌طور نصیحت رسـول به معنای امر به معروف و نهی از منکر رسـول نیست. من فعلا تصمیم ندارم وارد این بحث علمی شوم و شما اگر به آیات قرآن در این رابطه مراجعه کنید، خواهید دید که مراد از نصیحت در قرآن غیر از معنایی است که در اذهان ما وجود دارد. در این بخش از صحبت روایتی را به عنوان تیمن و تبرک ذکر می‌کنم و این قسمت از بحثم را خاتمه می‌دهم. قال رسول‌الله(ص): «الدین النصیحه. قلنا یا رسـول‌الله لمـن؟ قال: لله و لکتابه و لرسـوله و للمسـلمین؛ پیامبر(ص) فرمود همه دین نصیحت اسـت. سوال کردند نصیحت یعنی چه؟ و نصیحـت برای که؟ حضرت فرمود: نصیحت بـرای خدا و برای کتاب خدا و برای رسـول خدا و ائمه مسـلمین(ع)» و با مراجعه به کتب لغت معتبـر از قبیل اقرب و مصباح هیچکدام نصیحـت را امر به معروف و نهی از منکر، معنا نکرده‌اند، بلکه در این کتب نصیحت به معنای خلوص و صفای عمل تفسیر شده است و در قرآن کریم هم بیشتر به معنای خالصانه و صادقانه عمل کردن در برابر خدا و رسولش و ایمان مخلصانه داشتن به کتاب خدا و نیز به معنای خیرخواه بودن به کار رفته است و اگر هم احیاناً در بعضی جاها گفته شده که به معنای امر به معروف و نهی از منکر است، از باب ذکر مصداق است، از این جهت که آمر به معروف نسـبت به رهبر مخلص و صادق است می‌تواند از این در خلـوص و صدق امر به معروف کند یا تذکر دهد، بنابراین یکی از وظایف ما اعتقاد راسـخ داشتن و مخلصانه عمل کردن و صادق بودن با رهبری است و باید به مردم تذکر داد که وظیفه ما در قبال رهبری یا رهبران یا ولی مسلمین صادقانه و مخلصانه عمل کردن و ایمان داشتن به آنهاست. متأسفانه این اشتباه تا جایی پیش رفته کـه معمولاً آقـای منتظری هم بر همین مبنـای نصیحت ائمه مسـلمین همیشـه چه در زمان حضـرت امام(ره) و چـه الان، دسـت‌اندازهایی را برای نظام و مسؤولان درست کرده‌اند و خوب است در اینجا جمله‌ای را که آخرین نظر حضرت امام(ره) در رابطه با آقای منتظری است ذکر کنم. بعد از اینکه حضرت امام(ره) نامه ۶۸/۱/۶ را خطاب به آقای منتظری نوشتند، مسؤولان نظام از جمله مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری، آیت‌الله مشکینی و عده‌ای دیگر خدمت امام(ره) رسیدند و اصرار کردند این نامه پخش نشود - لازم به ذکر است نامه را به رادیو و تلویزیون جهت پخش داده بودند - حضرت امام(ره) به حاج احمد آقا دستور دادند نامه را از رادیـو و تلویزیون پس بگیرند که ایشـان هم پس گرفتند ولی حضرت امام در آن جلسه جمله‌ای را به آقایان فرمودند - من این را از شاهد عادلی که آنجا بود نقل می‌کنم - شما می‌توانید از این افـراد- مقام‌معظم‌رهبری، ریاسـت محترم جمهـوری، آیت‌الله مشـکینی، آیت‌الله امینی و حاج‌احمد آقا - سوال کنید. امام(ره) فرمودند: «البته اینکه من نامه را پس بگیرم، نه اینکه پشیمان شدم و نه اینکه اصرار شما مرا وادار کرد که من این نامه را پس بگیرم، فقط ترسـیدم که با پخش این نامه، خون مردم به جوش آید و بریزند آقای منتظری را بکشند که آقای منتظری یک شیخ فضل‌الله نوری برای انقلاب بشـود. من از این ترسیدم و آقای منتظری هم خودش فاسـد است و هم شـاگردی که تربیت کند فاسد تربیت می‌کنـد.» این عین جمـلات مبارک حضرت امام(ره) هسـت و می‌توانید - البته وظیفه هم هست - مراجعه کنید و از این آقایان بخواهید که حالا مقام معظم رهبری مساله‌شان جداست و نباید هم ایشان وارد این مسائل شوند ولی نسبت به بقیه آقایانی که در آن جلسه حاضر بودند بنویسید و از آنها بخواهید تا اینکه این مساله در تاریخ گم نشود و خیانتی به تاریخ نشده باشد. در مدتی که گذشته حرف حضرت امام(ره) ثابت شده است. اولاً من معتقدم هرکسی که با حضرت امـام(ره) درافتاد، بالاخره یک روزی خداوند نتیجه اعمالش را در رسوایی‌اش متبلور می‌کند. ما معتقدیم چیزی را که حضرت امام(ره) آغاز و شروع کرده آن را ادامه دهیم. شما بدانید که اگر ما ساکت بنشینیم، منحرفان ساکت نخواهند نشست. کسانی که با حضرت امام(ره) مساله‌دار بودند آنچنان بی‌ادبانه با امام برخورد می‌کردند که من یک‌مرتبه به یکی از آنها اعتراض کردم که آقا اگر می‌گویی خمینی، آقا هم بگو. حالا یک مقامی از تو گرفته شده، باید اینجور برخـورد کنی! همین آقا الان یکی از سـینه‌چاکان آقای منتظری است. اگر به خاطر داشته باشید آن ۳۰ نفر از نمایندگان سابق مجلس که خدمت آقای منتظری رسیدند و ما هم برخورد کردیم، یکی از همان آقایان اعتراف کرد این کُشـتی‌ای بود که ما آغاز کردیم ولی پشت‌مان به زمین زده شد. ما دقیقاً خبر داریم و عده‌ای هم اعتراف کردند که کسانی که دل خوشی از وضعیت فعلی نظام و از رهبری نداشـتند، جلسـه گرفتند کـه مرجعیت آقای منتظـری را مطرح کنند، چرا که به اصطلاح آنها مرجعیت آقای منتظری بادش دم و دستگاه را خواهد برد، این نتیجه‌ای است که آنها گرفتند و شـما مشـاهده کردید که اینها شروع کردند آقای منتظری را مطرح کردن و در روزنامه‌ها بردند و عکسش را پخش کردند و اطلاعیه دادند و دیدنش رفتند. بنابراین اگر ما سـاکت بنشینیم و آنهایی که درد دین و درد انقلاب دارند ساکت بنشینند، قطعا منحرفان سـاکت نخواهند نشست. واقعا این آقای منتظری شخصیتی اسـت که ما نمی‌توانیم بی‌تفاوت از کنارش بگذریم، شخصیتی است که جهانبینی‌اش در چهاردیواری خانه‌اش محدود است و همه مردم را از دید «سیدهادی» و «سعید» و در زمانی هم که «سیدمهدی» بود، از دید او بررسی می‌کرد. من تصمیم گرفتم به صورت جدی مسـائلی که بین ما و ایشان گذشت مطرح کنم، شما ببینید شخصیت دوگانه و دوگانه برخورد کردن آقای منتظری چـه خطری برای انقلاب به دنبال داشـت و چرا حضرت امام(ره) چنین کاری کرد. آقای منتظری نسبت به اطرافیان، بیت و هواداران خـودش آنچنان دسـت و دل‌باز برخورد می‌کند که نسـبت به هیچکس حاضر نیست اینگونه برخورد کند. عده‌ای از دوستان در جریان دستگیری سـیدمهدی خدمت آقای منتظری رسیدند و گفتند سیدمهدی و اطرافیان شما مرحوم «شمس‌آبادی» را به قتل رسانده‌اند، «شیخ قنبرعلی» را به قتل رسانده‌اند، تعداد کثیری را به قتل رسـانده‌اند، با این حال شما چطور از اینها دفاع می‌کنید؟ آیا هنوز مسـاله برای شما حل نشـده است؟ ایشان گفت: مگر آقای شـمس‌آبادی آدم خوبی بود. من شاهد دارم بر این مطلب؛ آقای معاون وزیر اطلاعات که از طلاب بسیار متدین است، شاهد بودند. بروید از آنها سوال کنید؛ ایشان با همین صراحت این جمله را بیان کردند. البته ما تعجب کردیم که چگونه کسی که ادعای مرجعیت و رهبـری آینده نظـام را دارد، با این صراحت می‌گوید مگر آقای شمس‌آبادی خوب بود؟ کشتند که کشتند! حالا آقای شمس‌آبادی آدم انقلابی نبود؛ از طرفداران آقای «خویی» هم بود؛ مگر کسی که طرفدار مرحوم آیت‌الله «خویی» بوده یا درس ایشان را رفته به این راحتی می‌توان او را کشت. حالا آقایی که نسبت به دیگران با این سعه‌صدر برخورد می‌کند، وقتی ۲ نفر از هواداران خودش دستگیر می‌شـوند چه الم‌شنگه‌ای به پا کرده اسـت و می‌گوید بچه‌های انقلاب در زندان‌ها هستند. چطور شد خونی مثل شمس‌آبادی رنگ ندارد اما با دستگیری ۴ تا طرفدار تو آسمان و زمین یکی شده‌اند. این شخصیت، شخصیت متناقضی هست. شخصیتی دوگانه است. شخصی است که نسبت به اطرافیان خودش با دست و دل‌بازی و سعه صدر برخورد می‌کند اما نسبت به دیگران اینگونه نیست. آقای منتظری دائما در سـخنرانی‌هایش مطرح می‌کند که من مصالح انقلاب و نظام را بر مصالح شـخصی خـودم ترجیح می‌دهم ولی حقیقتا ایشان در عمل خلاف این ادعا را ثابت کرده‌اند؛ شما امروز ببینیـد وضعیت فعلی انقلاب را، مسـؤولیتی که نظام جمهوری اسـلامی در قبال جهان اسـلام دارد. مساله «سلمان رشدی» که امروز یک دستاویزی برای دشمنان انقلاب علیه نظام شده؛ مساله حقوق بشر که امروز به عنوان یک چماق علیه انقلاب بلند کرده‌اند... حالا اگر مقام ریاست‌جمهوری یک مصاحبه‌ای انجام داد در برابر ادعای نقض حقوق‌بشر در ایران و گفت ما زندانی سیاسی نداریم، ایشان بیاید با صراحت بگوید که: «این آقا در مصاحبه‌اش می‌گوید ما زندانی سیاسی نداریم، مگر مردم نمی‌فهمند؟! نمی‌فهمند که بچه‌هـای انقلاب در زندان هسـتند.» کدام بچه‌هـای انقلاب در زندان‌ها هستند؟ حداقل انسان باید اینقدر عقل داشته باشد که اگر ادعا می‌کند من مادر انقلاب هستم و دیگران دایه انقلاب، بداند مادر انقلاب در این موقعیت چنین مطالبی را مطرح نمی‌کند. اینجاست که من عرض می‌کنم از صحبت‌های این آقا پیداسـت که مصالح شـخصی‌اش را بر مصالح انقـلاب ترجیح می‌دهد. شـما اگر در صحبت‌های اخیر ایشان دقت کنید، می‌بینید ایشان درصدد تحلیل خرابی‌های سابق خودش است، یک چیزی درست کرده که مواضع امام را زیر سـوال ببرد؛ بدین صورت که اگر حضرت امام در برابر ایشان چنین موضعی گرفتند، بگوید موضع‌گیری‌های حضرت امام براساس اطلاعات غلط بوده است و در نتیجه من آدم صالحی بودم! ایشان در همین سخنرانی‌های اخیرشان گفتند: یکی از بزرگان که در تهران هست از قول بچه‌های اطلاعات به من گفت که ما خدمت حضرت امام رفتیم و این را القا کردیم که منافقین بر آقای منتظری نفوذ دارند. الان آن آقایان توبه کرده‌اند و نمی‌دانند آقای منتظری آنها را می‌بخشد یا نه؛ این مبنایی است که انسان بیاید درست کند و بعد بگوید که فلان کس گفته حالا معلوم نیست که چنین کسی باشد یا نباشد. برای چه هست، برای اینکه تصمیم‌گیری‌های امام بر مبنای اطلاعات غلط بوده و اگر من عزل شدم و با من برخورد شد، براسـاس اطلاعات غلط بوده، بنابراین من سالم هستم و دیگران همه اشـتباه می‌کنند. این اسـت متناقض بودن شخصیت آقای منتظری. آقای منتظری هر وقت صحبت می‌کند، می‌گوید: «من همیشه سکوت کردم و این سکوتم هم به خاطر اسلام بوده است». وی در سکوتش هزار و یک حرف غلط و درست علیه انقلاب ردیف می‌کند و علیه نظام موضع‌گیری می‌کند.

آقای منتظری! شـما اگر واقعا سکوت کرده‌اید، مسخره کردن انقلاب و مسخره کردن راهپیمایی ۲۲ بهمن چه معنایی دارد؟ اگر شما سـکوت کرده‌اید، این جمله که مسؤولان نظام را کله‌گنده معرفی می‌کنید و می‌گویید در قیامت حقم را از آنها خواهم گرفت به چه معناست؟ چه حقی؟! آیا اگر به تعبیر شما همین کله‌گنده‌های نظام مانع پخش نامه ۶۸/۱/۶ حضرت امام نمی‌شدند، مردم پوست از سـر تو نمی‌کندند؟ این چه تعبیری اسـت که شما نسبت به مسـؤولان نظام کرده‌اید و از آن طرف همیشـه ادعا می‌کنید من سکوت کرده‌ام؟ شما در هر سخنرانی‌ای که کردید می‌گویید من سکوت کردم و سـکوتم هم برای خدا بوده است ولی از آن طرف بزرگ‌ترین نیش را به انقلاب می‌زنید. این مقدمه‌ای بود که در رابطه با آقای منتظری عرض کردم. چنانچه شما مطلع هستید، اخیرا ۶-۵ نفر از افرادی که به ادعای ما توطئه‌گر بودند دستگیر شدند. یک نفر از اینها به نام «دایی» در زمان «مهدی هاشـمی» چند مرتبه دستگیر و آزاد شد و یکی هم به نام «حاج داوود کریمی» که ایشان زمانی فرمانده سپاه تهران بود و درگیری با فرماندهی سپاه به وجود آورد و اگر یادتان باشد، حضرت امام توسط شهید «محلاتی» پیامی فرستاده بودند که اینها توبه کنند به واسطه کاری که در زمان جنگ انجام دادند که تصمیم داشتند در سپاه تهران اعتصاب کنند و بعد هم ایشان مرتکب قتلی شـدند و از سپاه بیرون رفت و اخیرا هم دسـتگیر شـد. ما پس از آنکه اطلاعیه‌های فراوانی را در سـطح دانشـگاه‌ها و مسـاجد دیدیم، کار روی این گروه را آغاز کردیم و حدودا یک ماه قبل ۶-۵ نفر از اینها دستگیر شدند که کار این گروه تهیه و توزیع اطلاعیه بود. کار دیگر اینها شایعه‌سازی بود. حالا شما مسـاله شایعه‌سـازی را دقت کنید که اینها از کجا شروع کردند. نخسـتین کاری که اینها انجام دادند و طبق اعتراف خودشـان با «سیدهادی» داماد آقای منتظری هم هماهنگی کردند. نخستین کار ایـن بود کـه نامه ۶۸/۱/۶ امام را انکار کردنـد و در این رابطه تمسک کردند به فرمایش حضرت امام مبنی بر اینکه هر چیزی که از من نقل شده باید کتبی باشد و بر این اساس تحلیل کردند چون این نامه پخش نشده است بنابراین چنین نامه‌ای وجود ندارد. غافل از اینکه خود آقای منتظری در پاسـخ نامه امام نوشتند عطف به مرقومه ۶۸/۱/۶ !! حالا انسـان اینقدر باید شـعور داشته باشد که چیزی را که می‌خواهد انکار کند، لااقل جوانب امر را هم بررسـی کند. در هـر صورت این نامه را اینها انکار کردند. در همین رابطه اطلاعیه‌هایی را در سطح وسیعی پخش کردند. بعد از این مرحله، در مرحله دوم نسبت به بیت حضرت امام شایعاتی را مطرح کردند از این قرار که احمدآقا از این کارش پشـیمان شده و توبه کرده و کسـی را هم منزل آقای منتظری فرستاده و از او معذرت‌خواهی کرده است. لازم است یادآوری کنم که منشأ این شایعه ظاهرا دفتر آقای منتظری بوده اسـت. از همه اینهـا خطرناک‌تر اینکه اینها کارشـان را بر این مبنا قرار دادند که حضرت امام(ره) را زیر سوال ببرند تا ایشان(آقای منتظری) تبرئه شوند. در این رابطه جزوه‌ای به نام (اسلام‌زدایی چرا؟) منتشر کردند و تعریف‌هایی را که حضرت امام(ره) نسـبت به آقای منتظری داشته‌اند، ذکر کردند و بعد هم مطرح کردند که عزل آقای منتظری در اواخر عمر حضرت امام(ره) بوده اسـت که در آن زمان، حضرت امام(ره) مریض بوده اسـت و چون مریض بودند، تصمیمات ایشـان عاقلانه نبوده است و خود ایشـان تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند و آقای «هاشمی‌رفسـنجانی» و «احمدآقـا» در تلاش برای گرفتن قدرت، حضـرت امام(ره) را به چنیـن کاری وادار کردنـد. خدا می‌داند حضرت امـام(ره) چقدر حساس بودند نسبت به اینکه به او بگویند دیگری به او القا می‌کند؛ من هیچ‌وقت نشنیدم حضرت امام(ره) نسبت به مساله‌ای حساسیت نشان دهد و بگوید من راضی نیستم و نمی‌گذارم، ولی اگر کسی می‌گفت فلان مطلب را به امام (ره) القا کردند، ایشان می‌فرمودند: «من راضی نیسـتم و این را نمی‌بخشـم». در یک جریانی که در صداوسیما پیش آمده، چند نفر گفتند این مساله را به امام(ره) القا کردند، بعد امام پیام دادند و فرمودند «بگویید که من نمی‌بخشم و نمی‌گذرم». اینها آمدند همین مسـاله را به امام نسبت دادند که حضـرت امـام در آن موقع حال خوشـی نداشـتند و در نتیجه تصمیمات درست و براساس اندیشه امام نبوده است. بعد از اینکه دستگیر شدند، در منزل یکی از این آقایان تعدادی قبضه اسلحه کشـف شـده، من نمی‌گویم که اینها طرح براندازی داشـتند و نمی‌گویم اینها قصد ترور داشتند، چون چیزی هم ثابت نشده ولی مشکوک است و باید بررسی کنیم. در منزل یکی از همین آقایان، ۵ قبضه اسلحه خودکار بود که کار این اسلحه‌ها به این صورت است که در آن گلوله جاسازی می‌کنند و با فشار دادن یک دکمه، انسانی را از بیـن می‌برند، بدون اینکه کسـی متوجه باشـد، گلوله‌های زهرآگین. من نمی‌گویم اینها برای ترور کسـی بوده اما به هرحال چیز مشکوکی است که این سلاح‌ها در خانه اینها به چه منظوری بوده است. اینها اعتراف کردند که ما با آقای منتظری ارتباط داشتیم و خیلی از مسائل‌مان را با ایشان مشاوره می‌کردیم و همین‌طور با سیدهادی هم تماس داشتیم و اطلاعیه‌ای که می‌نوشتیم، می‌رفتیم پیش ایشان و ایشان هم تایید می‌کرد و پس از تایید، آن را تکثیر می‌کردیم. بنابراین اینها نسبت به ارتباط با آقای منتظری و بیت ایشان اعتراف کردند. این اطلاعیه‌ها که هم علیه حضرت امام(ره) و هم علیه مقام معظم رهبری اسـت و در آن آقای منتظری تبرئه شـده، هـم در تهران و هم در بیت آقـای منتظری تهیه و توزیع می‌شده است. ۲ نفر از همین آقایان که هنوز دستگیر نشده بودند خدمـت آقای منتظری رفتند و آقای منتظـری هم به آن ۲ نفر می‌گوید من عکس‌العمل نشـان نخواهم داد و شما هم به کارتان ادامه دهید. به هر حال ما از عکس‌العمل آقای منتظری مطلع و منتظر عکس‌العمـل بودیم. تا اینکه ایشـان در تاریخ ۲۱ بهمن عکس‌العمل نشان داده و آن سخنرانی بسیار نازیبا را انجام دادند. حالا شما ببینید کسی که ادعای مادری انقلاب می‌کند و داعیه زائل شـدن حقش را دارد، نسـبت به انقلاب چگونه برخورد می‌کند. به‌عنوان نمونه من به بعضی از صحبت‌های ایشان اشاره می‌کنم؛ «فردا روز ۲۲ بهمن اسـت. مردم به اصل انقلاب پشت نکرده‌اند، بـدون رودربایسـتی باید بگویم مردم انقـلاب و امنیت انقلاب را می‌خواهند و اشخاص این را به حساب خودشان نگذارند که مردم از آنها طرفداری و پشتیبانی می‌کنند، حساب اشخاص جداست، من به خود امام هم گفتم - احمد هم آنجا بود - که آقا سـازمان «سیا» به «کاگـب» نفوذ کرد و «کاگـب» شوروی هم در سازمان «سیا» نفوذ کرد، آیا شما احتمال نمی‌دهید که در ارگان‌های ما هم نفوذ داشته باشند که حتما دارند، آن آقا (اشاره به ریاست محترم جمهـوری) در مصاحبـه‌اش می‌گوید: «ما اصلا زندانی سیاسـی نداریم.» البته خب! این حرف مصرف خارجی دارد و می‌خواهد به آنها بگوید ولی مگر مردم ما نمی‌دانند بچه‌های‌شان الان در زندان‌ها هستند؟!» به هرحال ایشان بسیار سخنرانی زشتی انجام می‌دهند و سـخنرانی ایشـان باعث عکس‌العمل طلبه‌ها در درس ایشـان می‌شود، عده‌ای بلند می‌شوند و شعار می‌دهند و به آقای منتظری می‌گویند مگر بنا نبود شما در سیاست دخالت نکنید، پس چرا این صحبت‌ها را می‌کنید و در روز جمعه هم عده‌ای پس از نماز جمعه در قم تظاهرات می‌کنند و تابلوی دفتر ایشان را پایین می‌کشند و بعد بچه‌های سپاه آمدند و جمعیت متفرق شدند، شورای تامین هم تصمیم گرفت موانعی که حضرت امام(ره) در زمان حیات‌شان امر کردند، برداشته شود که بیت آقای منتظری مثل بقیه بیوت عادی باشد... تا فرماندهان رده‌بالای سپاه به قم می‌روند در جلسه مجددا شرکت می‌کنند و به‌دلیل اینکه به هرحال این کار موجب احیای مجدد آقای منتظری هسـت، مخالفت می‌کنند و این کار صورت نمی‌گیرد. روز شنبه هم وقتی درس شروع شد، یکی از طلبه‌ها بلند شده و سخنرانی کرد و تقریبا تمام مطالب آقای منتظری را جواب داد و انتقاد کرد، آن طلبه کسـی بود که ۶ سـال در درس آقای منتظری شـرکت می‌کرد. وقتی آقای منتظری اوضاع را متشنج می‌بیند، اعلام می‌کند درس تعطیل است. بعد هم یکی از طلبه‌های نجف‌آبـاد با چاقو بـه طلبه‌هایی که علیه آقای منتظری شـعار می‌دادنـد حمله کرد و یکی از طلبه‌ها هـم چاقو می‌خورد، البته شناسایی شده و دستگیر هم شده است و الان هم در زندان است و تا حدودی هم اعتراف کرد. پس از این مراحل با من تماس گرفتند و جلسـه دادسرای ویژه و وزارت اطلاعات تشکیل شد و در نهایت تصمیم گرفته شد نماینده‌ای از تهران جهت بررسی مساله به قم برود و هرچه تشخیص داد انجام بشود که قرعه به‌نام من افتاد و ما در قم با نیروهای انتظامی، سپاه، شهرداری و اطلاعات جلسه‌ای را تشکیل دادیم و سرانجام تصمیم گرفتیم کار ناتمام حضرت امام(ره) را تمام کنیم، حضرت امام دیوارها را برداشتند و ما هم در و پنجره‌ها و نرده‌هایی که کوچه‌ها را بسته بود. به هر حال عملیات از ساعت ۱۰ شـب شـروع شـد و سـاعت ۳ خاتمه پیدا کرد بدون اینکه کوچک‌ترین اتفاقی رخ دهد. حفاظت عملیات هم به‌عهده نیروی انتظامی بود و یک نفر سپاهی هم در عملیات شرکت نداشت. این مطلب را از این جهت عرض می‌کنم که اینها شایعه کردند هزار نفر از نیروهای سـپاه در آن شرکت داشـتند. در هر صورت بازرسی صـورت گرفـت. ۵ خانه که متعلق به بیت آقـای منتظری بود و کارهای دفتری انجام می‌دادند چندین وانت بار از همین اطلاعیه‌ها در این خانه‌ها کشف شد و به صراحت می‌گویم لانه فاسد در همین خانه‌های اطراف بیت آقای منتظری بوده است که این خانه‌ها در دسـت سـعید و سـیدهادی بوده‌اند. چندین وانت‌بـار از همین اطلاعیه‌ها حتی چندین کارتن پاکت تمبرکرده و آماده که ظاهرا می‌خواستند این اطلاعیه‌ها را داخل اینها بگذارند و پست کنند در کنار اینها بود. به هر حال وسایل تکثیر اطلاعیه‌ها هم جمع‌آوری و موانع هم برداشته شد و دفتر ایشان هم پلمب شد، البته دلیل پلمب شـدن دفتر این بود که مقداری پول داخل دفتر بوده و ما موقت پلمب کردیم که صبح تحویل مسؤولان دفتر دادیم. بقیه خانه‌ها هنوز پلمب هستند، حسینیه هم بعد از ۲ روز بازگردانده شد ولی نسبت به بقیه خانه‌ها تصمیم این است که تحویل شود. البته این خانه‌هـا مربوط به سـپاه بوده و سـپاه خـودش در ایـن رابطه تصمیم‌گیری می‌کند. از فردای همان شب، اینها تلاش وسیعی کردنـد که نجف‌آبـاد را بهم بریزند و در ایـن رابطه با بازار تماس گرفتند، با مردم تماس گرفتند و درخواست کردند تعدادی ماشین بفرستند و بازار را تعطیل و تظاهرات کنند ولی خوشبختانه حتی یک نفر هم جواب مثبت نداد و اینها می‌گفتند این نجف‌آبادی‌ها چقدر نامرد هسـتند و ما احتمال نمی‌دادیم این قدر نامرد باشند. دومین کار اینها پس از آن جریان، شایعه‌سازی بود. از این قرار که ۲ هزار نیرو شرکت کردند. هزار نفر سپاهی شرکت کردند. شایعه کردند که پول شهریه را بردند، البته این قسمت را راست گفتند، از ایـن جهت که داخل اطلاعیه‌ها یک گونی پول بود که ما احتمال دادیم این پول‌ها را می‌خواهند به آقایانی که در همین رابطه هستند بفرستند، لذا آن پول را آوردیم ولی وقتی صبح متوجه شدیم پول مربـوط به خـود آقـای منتظـری اسـت آن را برگرداندیم. در اطلاعیه‌های‌شان اعلام کردند اساتیدی مانند آیت‌الله «صانعی» و آیت‌الله «مؤمن» در درس با ما همدردی کردند که لازم است عرض کنم تمام اینها دروغ بوده اسـت. مگر کسی جرأت می‌کند وقتی آقـای منتظری آن گونه وقیحانه حـرف زده، از او دفاع کند. روح امام(ره) بر ما حاکم است و کسی چنین جراتی ندارد. البته ۳-۲ نفر بـه من اعتراض کردند که چرا چنیـن کاری را انجام دادید و آنها کسـانی بودند که در زمان حضرت امام(ره) به ایشان هم اعتراض کردند. من هم گفتم وقتی کار حضرت امام(ره) برای شما توجیه نیسـت، چگونه کار من برای‌تان قابل توجیه باشد؟! در هر صورت اینها شـایعات فراوانی را پخـش کردند. خوشـبختانه افرادی از مدرسین به ما اعلام کردند که شما نامه‌ای به ما بنویسید تا ما این شایعات را تکذیب کنیم، چرا که دفتر آقای منتظری این کار را برای آبروریزی ما انجام داده است و ما هم ان‌شاءالله همین کار را خواهیم کرد. از جمله انتقادات دوستانه‌ای که به ما شده یکی این بود که چرا شما شب وارد عمل شدید و اینکه چرا بازرسی صورت گرفت؟ اما اینکه چرا شـب انجام دادیم چند دلیل داشت؛ اولاً همین کار در زمان حضرت امام(ره) شـب انجام شد و ما هم از حضرت امام(ره) تبعیت کردیم. ثانیاً بالاخره کسی که موافق دارد احتمال می‌رفت کـه اگـر مـا آن کار را در روز انجام می‌دادیم چنـد نفر از همان چاقوکش‌هایی که سر درس ایشان هم چاقو کشیدند می‌آمدند که ۲ تا اتوبوس را آتش می‌زدند یا ۴ تا سنگ پرتاب می‌کردند و موافق و مخالف باهم درگیر می‌شدند و در نتیجه خوراک تبلیغاتی برای رادیوهای بیگانه درست می‌شد. بنابراین بهترین زمان شب بود که حتی در آن شب یک نفر هم به صحنه نیامد، چرا که مردم خواب بودند و در آرامش کامل آن کار انجام شد. و الحمدلله هیچ اتفاق ناگواری از قبیل خونریزی و ضرب و جرح پیش نیامد. و اما اینکه چرا بازرسی کردیم؛ ما از قبل اطلاع داشتیم که لانه فساد در بیت ایشـان است و اطلاعیه‌هایی که علیه حضرت امام(ره)، علیه مقام معظم رهبری و در تبرئه آقای منتظری بوده از داخل خانه ایشان تهیه و توزیع می‌شد. لذا بازرسی انجام دادیم و اسنادی را برداشتیم، وسایل تکثیر را هم جمع‌آوری کردیم، اطلاعیه‌ها هم که چندین وانت‌بـار بود را توقیف کردیـم. اما وظیفه ما در قبال این جریانات چیست؟ چنانچه عرض کردم وظیفه ما ادامه راه حضرت امام(ره) است. حضرت امام(ره) فرمودند طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات برای مردم این قضیه سـاده را روشن کنند که مصلحت اسلام بر هر چیزی مقدم است. در رابطه با آقای منتظری، حضرت امام(ره) قبل از ماه مبارک رمضان اطلاعیه دادند و از طلاب و ائمه جمعه و جماعات درخواست کردند این مساله ساده را برای مردم تشریح کنند. ما وظیفه داریم جریان آقای منتظری را به عنوان یک جریان انحرافی و خطرناک برای انقلاب، برای مردم توجیه کنیم، چنانکه حضرت امام(ره) این جریان را خطرناک تشـخیص دادند. طـلاب وظیفه دارند تذکرات حضرت امام(ره) به آقای منتظری را برای مردم تشریح کنند، آنجا که خطاب به ایشان فرمودند: «به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک کنید و از تردد مخالفان نظام به بیت‌تان جلوگیری نمایید. من این تذکر را در قضیه مهدی هاشـمی به شما دادم. من صلاح شـما و انقلاب را در این می‌بینم که شـما فقیهی باشـید که نظام و مردم از نظرات شما اسـتفاده کنند». حالا آیا واقعا آقای منتظری به تذکرات حضرت امـام(ره) گوش و بیت خودش را از افراد ناصالح پاک کرد؟ چطور شده که سیدهادی که تبعیدی حضرت امام(ره) بوده، حالا یار وفادار آقای منتظری و خط‌دهنده او شـده است؟ مگر حضرت امام(ره) سیدهادی را به سمنان تبعید نکرد؟ شخص حضرت امام(ره) حکم تبعید ایشـان را امضا کردند و آقای منتظری در سخنرانی‌هایش می‌گوید «سـیدهادی ما». همه ترفندها و موضع‌گیری‌های آقای منتظری توسط همین سیدهادی است. حضرت امام(ره) فرمودند نظام و مردم از فقه شما استفاده کنند، حالا آیا واقعا نظام و مردم از درس و بحث آقای منتظری اسـتفاده می‌کنند؟ یا رادیو اسرائیل اسـتفاده می‌کند؟ یا «رادیو آمریکا» یا «بنی‌صدر»؟ بنی‌صدر در جریان اخیر ۲ شب پشت سر هم اطلاعیه داده است. در هر صورت سخنرانی ایشان خوراک تبلیغاتی وسیعی شـده برای رادیوهای بیگانه، بنابراین همانطور که حضرت امـام(ره) فرمودند: «این آقا (منتظری) فاسد هست و طلبه‌ای هم که تربیت کند، طلبه فاسد تربیت می‌کنـد». «مقام معظم رهبری»، «آیت‌الله مشـکینی»، «آیـت‌الله امینی» و «حاج احمدآقا» هم شـاهد این فرمایشـات حضرت امام(ره) نسـبت به آقای منتظری بوده‌اند. طلاب وظیفه دارند این درس را تحریم بکنند و همانطور که امام فرمودند به این درس نروند. در هر صورت باید این مسـاله را برای مردم توضیح دهیم. باید شـخصیت متزلزل و غیراصولی آقای منتظری را برای مردم تشریح کنیم، باید بیانات حضرت امام(ره) را برای مردم تشریح کنیم و همانطور که حضرت امام(ره) فرمودند طلبه‌ها درس ایشان را باید تحریم کنند و درس ایشان نروند که خدای نکرده آدم فاسق موجب فسق طلبه‌های پاک و معصوم نشود.

*** این سخنرانی در تاریخ ۲۵ بهمن ۷۱ درجمع طلاب حوزه علمیه قم ایراد شده است**